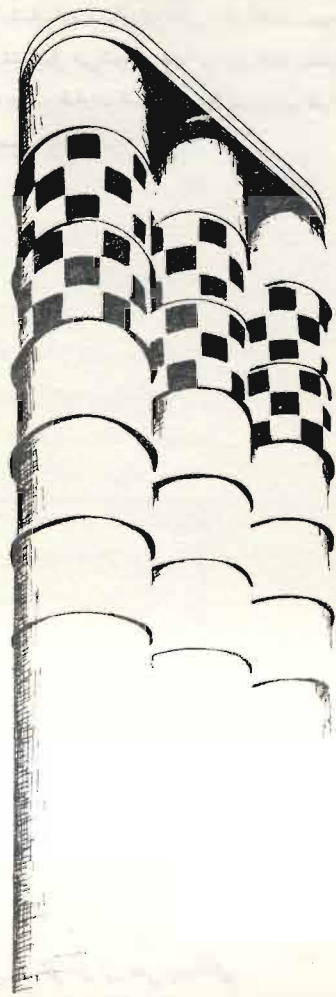


ارزیابی اقتصادی کشورهای آسیای غربی



نویسنده طی مقاله خود به تجزیه و تحلیل اوضاع اقتصادی کشورهای آسیای غربی که عمدتاً خوب هستند می پردازد. در ارزیابی اقتصاد این کشورها نفت پارامتر اصلی بشمار می رود. برداشت کلی نویسنده آن است که در این کشورها بدلیل فقدان برنامه ریزی مناسب، درآمد نفت به جای آن که نقش مثبتی ایفا نماید، تأثیری منفی داشته است. چنین تأثیری در جای جای اقتصاد کنونی این کشورها قابل مشاهده است. از اواسط دهه ۸۰ که قیمت نفت تنزل یافت، قدرت واردات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز بشدت افول نمود. جهت پاسخگویی به این شرایط اسفبار، سعی در افزایش همکاریهای منطقه ای با هدف بالا بردن سطح بازرگانی منطقه ای انجام گرفت که به علت نبود تولیدات و محدود بودن آن به نفت ناموفق بود.

کاهش قیمت نفت، همچنین باعث شد تا کشورهایی چون عربستان که پذیرای کارگران مهاجر بودند بتوانند، از عهده پرداخت دستمزدها برآیند لذا بحران نیروی کار در منطقه شکلی جدی بخود گرفت.

مترجم: حمیدرضا یارمحمدی

جدول ۸-۱: کلید شاخصهای اقتصادی کشورهای آسیای غربی (۱۹۸۵-۱۹۸۶)

منابع: بانک جهانی، سازمان ملل متحد، شرکت بانکی غرب
نصربه قیمتهدر بازار ثابت فرض شده‌اند. توضیح: صادرات خوب، منهای واردات خوب.

کشور	جمعیت ۱۹۸۵ (میلیون)	تولید ناخالص داخلی به‌طور سالانه ۱۹۸۶ (دلار)	رشد تولید ناخالص داخلی بین سالهای ۱۹۸۰-۸۶ به درصد	موازنه تجاری ۱۹۸۶ (میلیون دلار)	نسبت دیون معوقه به تولیدات ناخالص ملی ۱۹۸۵ به درصد	سرمایه‌گذاری مستقیم در کشور ۱۹۸۵ (میلیون دلار)
بحرین	۰/۴	۱۱/۸۵۰	-	۱۷۷	۲۱/۱	-۲۶/۶
مصر	۲۸/۵	۱/۱۰۰	۳/۲	-۲/۰۱۰	۸۰/۲	۱/۲۱۷/۷
ایران	۴۲/۶	حداقل	۲/۹	۲/۳۵۷۳	۲/۴	حداقل
عراق	۱۵/۹	۲/۰۰۸	-	-	۳۲/۵	-
اردن	۳/۵	۱/۲۲۶	۲/۵	-۱/۴۲۴	۸۰/۴	۲۴/۹
کویت	۱/۷	۸/۸۵۰	-۶/۲	۱/۹۷۸	۲/۸	-
لبنان	۲/۶	-	-	-	-	-
عمان	۱/۲	۵/۹۰۰	-	۶۰۷	۲۴/۸	۱۳۸/۴
قطر	۰/۳	۱۶/۵۵۰	-	-	۴/۱	-
عربستان سعودی	۱۱/۵	۷/۲۵۰	۴/۳	۳/۰۵۱	۳/۹	۹۶۶/۷
سوریه	۱۰/۵	۲/۰۵۰	۳/۸	-۱/۹۵۲	۱۶/۶	-
امارات متحده عربی	۱/۴	۱۴/۹۵۰	-	-	۵/۰	-
یمن شمالی	۶/۷	۴۰۰	-۲/۹	-۱۹۲	۱۳۱/۱	-
یمن جنوبی	۲/۴	۴۵۰	۴/۳	-۷۸۰	۵۶/۸	۵/۴

همین نسبت است اختلاف این کشورها با یکدیگر، از نظر داشتن دیون معوقه و میزان سرمایه‌گذاری،

چهار صادرکننده بزرگ منطقه در سال ۱۹۸۶، عبارت بودند از عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عراق و ایران که بالغ بر ۷۰ درصد از کل صادرات آسیای غربی را عرضه داشتند که قسمت عمده آن را نفت خام تشکیل می‌داد.

بسیار زیاد است. میزان دریافتی مصر از سرمایه خارجی در سال ۱۹۸۵، بالغ بر ۱٫۲ بیلیون دلار بود، حال آنکه دیونش به ۸۰ درصد تولید ناخالص ملی رسید. دیون یمن شمالی از تولید ناخالص ملی است تجاوز می‌کند و همین‌طور بدهکار بزرگ دیگر این منطقه کشور اردن، ولی در عوض کشورهای نظیر ایران، کویت و عربستان سعودی مقدار کمی بدهی خارجی دارند. بخش اعظم این تفاوتها به میزان دارایی نفت این کشورها ارتباط دارد. درآمد کشورهای تولیدکننده نفت در این منطقه، بلافاصله پس از اولین افزایش قیمت

۸-۱ نشان داده شده‌اند. از لحاظ جغرافیایی مصر قسمتی از آفریقا است؛ اما به دلیل پیوندهای سیاسی و اقتصادی نزدیکی که با ملت‌های عرب شرق خود دارد، در این جدول گنجانده شده است. تنها کشور غیر عرب این ناحیه ایران است؛ ولی این کشور نیز مذهبی مشترک (اسلام) و منابع اولیه مشابه با همسایگان عرب خود دارد.

جدول ۸-۱ روشن‌کننده بعضی از اختلافهای اقتصادی در این ناحیه به ظاهر یکنواخت است. جمعیت‌های نظیر ایران و مصر، بیش از چند برابر بعضی از کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس است. میزان درآمد سرانه و رشد آن نیز در این دو کشور، به همان نسبت با کشورهای نظیر قطر و امارات متحده عربی که بسیار ثروتمندتر از همسایگان‌شان هستند، متفاوت است. الگوهای عملکرد تجاری در این ناحیه به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: معمولاً کشورهایی که از لحاظ نفتی فقیر هستند با یک تراز بازرگانی منفی مواجه‌اند؛ در سالی که تراز بازرگانی در سایه کشورها عمدتاً به قیمت نفت وابسته است؛ از این رو با احتساب سهم بخش نفت مثبت است. به

کشورهای آسیای غربی که عمدتاً عرب هستند، چهار قرن زیر سلطه امپراتوری عثمانی سر می‌بردند و تنها پس از جنگ جهانی دوم، استقلال خود را بازیافتند. آسیای غربی روی هم رفته شامل یک جمعیت تقریباً ۱۶۰ میلیونی است و مدعی نیمی (بایبشتر) از منابع نفتی شناخته شده دنیا است. قسمت اعظم این ناحیه زبان و مذهب مشترک دارند. تنها طی دو دهه اخیر، بعضی از کشورهای آسیای غربی به ثروت غیر قابل‌تصور دست یافته‌اند. این شرایط می‌بایست آسیای غربی را از نظر سیاسی و اقتصادی، به ناحیه‌های با نفوذ و

در سال ۱۹۸۱ عربستان سعودی تقریباً ۱۲۰ میلیون دلار از نفت عایدی داشت؛ اما تا سال ۱۹۸۷ درآمد نفتی‌اش به کمتر از $\frac{1}{5}$ آن مقدار تقلیل پیدا کرد.

نذرتمند تبدیل می‌کرد. اما این منطقه در واقع فاقد چنین خصوصیتی است. کشورهای تشکیل‌دهنده این ناحیه در جدول

جدول ۸-۲ رشد و ترقی صادرات، واردات و بازرگانی در آسیای غربی بین سالهای ۱۹۷۵ الی ۱۹۸۶

۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۷۵-۸۶	رشد صادرات
-۲۲/۶	-۱۰/۶	-۱۰/۷	-۲۳/۳	-۲۱/۶	۰	رشد واردات
-۸/۵	-۱۶/۶	-۸/۰	-۴/۹	۴/۷	۸/۷	بازرگانی ^۲
۵۴	۱۰۴	۱۰۷	۱۰۶	۱۲۰	-	(۱۹۸۰=۱۰۰)

تذکرات: ۱- مقدار متوسط سالیانه منبع: UNCTAD
 ۲- نسبت نمای ارزش واحد صادرات به نمای ارزش واحد واردات.

نفت، بین سالهای ۱۹۷۳ الی ۱۹۷۴، رویه افزایش نهاد. عربستان سعودی و بعضی از هم پیمانانش در اوپک، خیلی زود به درآمدهایی از قرار ۱۱۵۰۰۰ دلار ارزش خارجی در ثانیه دست یافتند. با قیمتهای سال ۱۹۷۴ آنها می توانستند چیزی معادل تمام دارایی های بازار بورس لندن را تنها در عرض ۹ ماه خریداری کنند. ظرف ۲۲ ماه آنها مبلغی معادل تمام سرمایه گذاری های شرکتهای آمریکایی را در خارج از آمریکا کسب کردند. صادرات نفت پس از اولین مرحله افزایش قیمت در سال ۱۹۷۳، برای دولتهای عربی و ایران، درآمدی معادل ۱۵۰ تریلیون دلار در برداشت؛ اما روند افزایش فوق العاده درآمد سالیانه ای این کشورها، حداقل در حال حاضر به کندی گراییده است. در سال ۱۹۸۱ عربستان سعودی تقریباً ۱۲۰ میلیون دلار از نفت عابدی داشت؛ اما تا سال ۱۹۸۷ درآمد نفتی اش به کمتر از ۱/۳ آن مقدار تقلیل پیدا کرد.

بازرگانی در آسیای غربی

بازرگانی کشورهای آسیای غربی دو ویژگی خاص دارد که هر دو تحت تأثیر تحولات ناگهانی

در صادرات نفت است. با اینکه ارزش صادرات این کشورها بین سالهای ۱۹۶۳ الی ۱۹۷۳، به پنج برابر افزایش یافت؛ اما سرعت رشد و ترقی تراز بازرگانی آنها حتی بیشتر از این مقدار بوده است. طی یک دوره یکساله پس از اولین افزایش قیمت نفت اوپک، عربستان سعودی و برخی از همسایگانش شروع به ثبت مازادهای قابل توجهی در صورتهای مالی خود کردند. صادرات عربستان سعودی در سال ۱۹۸۰ حدود ۲۰۸ بلیون دلار بود که نسبت به سال ۱۹۷۳ تقریباً هشت برابر افزایش را نشان می داد. اما در سالهای ۱۹۸۰، درآمد ناشی از صادرات به طرز اسفباری سقوط کرد (به جدول ۸۲ مراجعه شود). این کاهش بین سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵، به میزان وسیعی نتیجه حجم کمتر صادرات بوده، اما ۲۲/۶ درصد کاهش صادرات در سال ۱۹۸۶، کمتر شدن قیمتهای صادراتی را نشان می داد. در حقیقت تخمین زده می شود که حجم صادرات آسیای غربی در سال ۱۹۸۶، پانزده درصد افزایش یافته است. ولی تنزل قیمتها بیش از آنست که سودهای قبلی جبران شود. نوسانات اسفناک صادرات در منطقه، تأثیری جدی بر روی توانایی

واردات این منطقه داشته است. در سال ۱۹۸۲ واردات به کمترین میزان خود، یعنی ۱۳۰ بلیون دلار رسید. سقوط متعاقب آن عمدتاً شامل کاهش حجم واردات نیز شد. کشورهایی که بیشتر به صادرات نفت وابسته بودند حجم وارداتشان را به

دوره هایی که صادرات نفتی در حال افزایش بود سهم بازرگانی درون منطقه ای (هم صادرات و هم واردات) افت می کرد زیرا خریداران ترجیح می دادند کالاهایی را که توسط کشورهای صنعتی عرضه می شد خریداری نمایند.

سرعت کاهش دادند که گاهی اوقات این کاهش تا ۲۵ درصد میزان کل صادرات آنها بود.

جدول ۸۳ نمایانگر ساختار بازرگانی آسیای غربی است. در این منطقه نفت، بیش از ۴۰٪ صادرات و مصنوعات تقریباً ۳۰٪ واردات را تشکیل می دهند. چهار صادر کننده بزرگ منطقه در سال ۱۹۸۶، عبارت بودند از عربستان سعودی، امارات متحده

جدول ۳-۸: ساختار بازرگانی صادرات با گروه اعظم کالا در آسیای غربی (۱۹۷۰-۱۹۸۵)

	صادرات			واردات		
	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۵	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۵
اقلام غذایی	۵/۹	۱/۵	۲/۸	۱۴/۱	۱۱/۵	۱۳/۴
مواد خام کشاورزی	۳/۹	۰/۸	۰/۷	۳/۰	۱/۸	۱/۵
سنگ معدن و فلزات	۱/۴	۰/۶	۲/۰	۷/۸	۱۰/۸	۷/۷
مواد سوختی	۸۲/۵	۹۲/۴	۸۱/۱	۶/۵	۶/۵	۱۰/۸
مصنوعات	۴/۳	۲/۸	۸/۷	۶۳/۶	۶۵/۲	۶۳/۲
جمع کل (بیلیون دلار)	۱۰/۵۲۳	۸۲/۲۸۱	۱۰۵/۱۷۷	۷/۰۵۹	۲۳/۰۰۳	۸۹/۸۷۷

عربی، عراق، ایران که بالغ بر ۷۰ درصد از کل صادرات آسیای غربی را عرضه داشتند که قسمت عمده‌ی آن را نفت خام تشکیل می‌داد. همین چهار کشور به انضمام مصر، تقریباً ۶۰ درصد از واردات منطقه را در سال ۱۹۸۶ به خود اختصاص دادند. ضمناً این منطقه از نظر صادرات در بعضی از انواع منسوجات، چرم و فرآورده‌های دفاعی، فلزات و تعداد کمی مواد معدنی غیر فلزی نیز در سطح جهان مطرح است. اما صادر کنندگان عمده در مصنوعات اردن و سوریه هستند که صادرات این کشورها نیز در سال ۱۹۸۶ تنزل یافت.

نشانه‌هایی مبنی بر اینکه این الگوها و تمرکز محصولات صادراتی این کشورها در آینده‌های قابل پیش‌بینی تغییر پیدا کند وجود ندارد. با وجود تلاش‌های مصمم برخی از کشورها، به منظور افزایش صادرات کالاهای غیر نفتی، صادرات این کالاهارشد کمی داشته است. تنها فرآورده‌ای که این کشورها به طور نسبی قدرت ایجاد تنوع در آن داشته‌اند فرآورده‌های نفتی است که میزان صادرات آن با توجه به کل صادرات نفتی افزایش یافته است. تا سال ۱۹۸۶ رشد سرمایه‌گذاری و ظرفیت

کارگذاری شده در صنعت پتروشیمی منطقه چشمگیر بود. این حرکت اساساً در پاسخ به انگیزه‌های چند کالایی کردن صادرات و همجهت با این فعالیتها انجام شد.

بازرگانی درون منطقه‌ای آسیای غربی یک بخش نسبتاً کوچک از کل روابط تجاری این کشورها را تشکیل می‌دهد بازارهای منطقه نیز نسبتاً غیر قابل اعتمادند و این به خاطر نوسانات شدید در روابط بازرگانی است، که خود این مساله ناشی از نوسان عایدات نفتی این کشورها می‌باشد. دوره‌هایی که صادرات نفتی در حال افزایش بود سهم بازرگانی درون منطقه‌ای (هم واردات و هم صادرات) افت می‌کرد زیرا خریداران ترجیح می‌دادند کالاهایی را که توسط کشورهای صنعتی عرضه می‌شد خریداری نمایند. در سال ۱۹۸۵ تولید کنندگان آسیای غربی بالغ بر ۶۰ درصد واردات منطقه را از کلیه کشورهای در حال توسعه تأمین می‌کردند و ۳۵ درصد از کل صادرات این کشورها را نیز در اختیار داشتند. البته بعضی از کشورهای آسیای غربی به منظور ارتقای سطح بازرگانی خود با یکدیگر تلاشهایی کرده‌اند. شش

عضو شورای همکاری خلیج فارس یعنی بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی اخیراً بمنظور افزایش سطح بازرگانی کشورهای منطقه و جاری شدن سرمایه‌ها در خلیج فارس توافق کرده‌اند که نرخهای ارزی‌شان را هماهنگ سازند. اساساً شورای همکاری خلیج فارس یک پیمان دفاعی منعقد شده در سال ۱۹۸۱ بود اما اعضای این شورا هم اکنون می‌خواهند به منظور نیرومند ساختن ائتلاف اقتصادی بین خودشان سطح روابط بازرگانی را افزایش دهند اما اشکال اینجاست که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس خیلی کم می‌توانند با یکدیگر مناسبات بازرگانی برقرار کنند چون تنها در چند کالا از جمله مواد پتروشیمی، کود و سیمان توان صادرات دارد. در سال ۱۹۸۳ تعرفه‌های گمرکی بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس رسماً از میان برداشته شد اما با وجود آنکه بسیاری از این تعرفه‌ها به طور غیر رسمی باقی ماند، بازرگانی آزادتر حقیقتاً منجر به ائتلاف بزرگتر بازارهای شورای همکاری خلیج فارس نشد، اغلب ناظران معتقدند که حرکت

جدول ۸-۴: ساختار بازرگانی آسیای غربی با مبدأ و متصد (۱۹۸۵-۱۹۷۰)

درصد %	سال	بازارهای توسعه یافته اقتصادی	کشورهای سوسیالیستی	کشورهای در حال توسعه	در داخل ناحیه
واردات	۱۹۷۰	۶۸/۴	۱۱/۵	۱۹/۱	۱۱/۱
	۱۹۷۵	۷۵/۸	۵/۹	۱۷/۶	۹/۲
	۱۹۸۵	۶۲/۷	۵/۷	۲۹/۶	۱۶/۲
صادرات	۱۹۷۰	۶۹/۸	۲/۶	۲۰/۷	۷/۴
	۱۹۷۵	۷۱/۲	۲/۳	۲۳/۰	۲/۸
	۱۹۸۵	۵۰/۰	۲/۴	۳۶/۶	۱۳/۹

منبع: UNCTAD

- شامل بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی در حال توسعه نیست.

مذکور فقط رسمی سازی ترتیبات موجود بوده است. بهر حال ۲ دسته فاکتور گلی فرصتهای صادراتی آسیای غربی را محدود می کند. اولین و مهمترین فاکتور میزان تقاضا و مصرف نفت و درصد تغییر آن در کشورهای توسعه یافته است. دومین فاکتور این است که رشد سریعتر صادرات غیر نفتی بوسیله فنسارهای داخلی و خارجی محدود شده است که این امر تلاشهای کشورهای آسیای غربی را برای سوق دادن تولیدشان به سمت تولید بیشتر محصولات پالایش یافته محدود کرده است. بهر حال علیرغم رشد و ترقی میزان سرمایه گذاری، ظرفیت تولید محصولات گوناگون صنعتی در آسیای غربی به آهستگی پیش رفته است. در این میان بیشترین میزان رشد را بخش خدمات داشته است که سرویسهای بانکداری و مالی را شامل می شود.

مهاجرت نیروی کار

بحران اقتصادی در خلیج فارس بر گوشه و کنار آسیای غربی اثر می گذارد. در مدتی که قیمتهای نفت بالا بود آن دسته از کشورهای کم نفت یا غیر نفتی از فرستادن کارگر و اشتغال بازار کارهایی که همسایگان نفتی و ثروتمندشان خود انجام نمی دادند سود می بردند. اما این مهاجران هم اکنون در یک بازار کار اشباع شده کار می کنند. در سال ۱۹۸۴ کشورهای صادر کننده نفت خلیج فارس

دستمزدهای کارگران خارجی را تا ۲۰ درصد کاهش دادند. در همان سال ۷۰۰۰۰۰ کارگر مهاجر، خلیج فارس را ترک کردند. اما شمار مهاجران هنوز هم زیاد است. با وجود نوسان قیمتهای نفتی و کسر بودجه کشورهای عربی برآورد شده است که تنها در شبه جزیره عربستان بیش از ۴ میلیون مهاجر اعم از عرب و آسیایی وجود دارند. سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ میزان رزیندهای مربوط به حواله ارسال کارگر به منطقه خلیج فارس به طور روز افزون افزایش یافت و به ۶۰۰۰ درصد بالغ گشت. بیش از نیمی از این وجوه را مصر دریافت کرده است. در سال ۱۹۸۵ میزان عایدی این کشور از کارگران خارجی اش معادل ۱۱ درصد درآمد ناخالص ملی اش بود و به همین نسبت سهم حواله های کارگری به درآمد ناخالص ملی در سایر کشورها نیز حتی بیش از این مقدار بوده است. تقریباً ۳۵۰۰۰۰ اردنی یعنی معادل ۴ درصد از نیروی کارگری این کشور بعد از سال ۱۹۷۳ در خلیج فارس مشغول کار شدند حواله هایی مربوط به ارسال چنین کارگرانی مبدل به یک منبع با ارزش با درآمد ارزی برای کشورهای کم نفت منطقه شده است؟ این شمار زیاد کارگران خارجی تأثیر مهم دیگری نیز داشته است در حقیقت آنچه که آنها برای پیوند اقتصادی بین کشورهای این ناحیه و نزدیکی آنها به یکدیگر انجام داده اند بیش از تمام تلاشهای دولتی عربی مؤثر بوده است.

